

شیطان یعنی قدرت‌های شرآفرین!

خلاصه جلسه نوزدهم: گروه‌های معارض

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سلسله جلسات طرح کلی اندیشه اسلامی در بحث نبوت، با طرح موضوع شاخص‌های جامعه اسلامی و معارضین نبوت و جامعه‌ی توحیدی، چهار طبقه‌ی معارض با دعوت انبیاء بر اساس قرآن را معرفی کردند. این چهار گروه شامل ثروت‌اندوزان (مترفین)، قدرت‌های استبدادی (طاغوت)، طبقه سران و رؤسا (ملأ) و احبار و رهبان است. این گروه‌ها با مخالفت با دعوت انبیاء که برابری انسان‌ها در جامعه موحد است، به مقابله با انبیاء می‌پرداختند. ایشان با عنوان نقش اساسی احبار و رهبانان در معارضه با انبیاء، بینات قرآنی از معارضه این مخالفین توحید، نمونه‌هایی بیان کردند.



جلسه ۱۹: گروه‌های معارض
شیطان یعنی قدرت‌های شرافین!

<p>آیه ۱۱۳ و ۱۱۲ سوره‌ی مبارکه‌ی انعام آیات ۳۴ و ۳۵ سوره‌ی مبارکه‌ی سبأ آیه ۳۴ سوره‌ی مبارکه‌ی توبه</p>	<p>آیات این جلسه</p>
<p>ملأ طاعوت احبار و رهبان طبقه اشرف</p>	<p>واژگان کلیدی</p>
<p>نکات کلیدی</p>	<p>آیه</p>
<p>شیطان یعنی قدرت‌های شرافینی که خارج از وجود انسانند. یک نوعش همین ابلیسی است که به آدم <small>علیه السلام</small>، آدم ابوالبشر، سجده نکرده. آن شیطان، بدنام‌ترین شیطان‌های عالم است، بدنامی شیطان‌های دیگر هم پای اوست بیچاره. این شیطان‌هایی که دشمنان پیغمبر هستند، بعضی‌شان به بعض دیگر الهام می‌دهند، یاد می‌دهند. گاهی طبقه‌ی احبار و رهبان به طبقه‌ی ملأ درس می‌دهد، گاهی طبقه‌ی ملأ به احبار و رهبان درس می‌دهد، گاهی مترفین به هر دو طبقه آموزش می‌دهند و غالباً هر سه طبقه از طاعوت الهام می‌گیرند. این قدر خوش ظاهر، فرعون می‌گوید که «ذرونی أَقْتُلْ مُوسَى»، بگذارید بکشم من این موسی را، خب چرا؟ چرا بکشی؟ «إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ» می‌گوید می‌ترسم موسی دین شما را خراب کند. این حرف فرعون است. فرعون می‌ترسد که موسی بیاید دین مردم را خراب کند. یک چنین سخنان خوش ظاهر. «غُرُورًا» از روی ایجاد غرور و جهالت، مردمان را و یکدیگر را مغرور می‌کنند. اگر خدا می‌خواست و اراده می‌کرد، اینها این کار را نمی‌کردند، امکانات پیدا نمی‌کردند. اگر خدا</p>	<p>كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ</p> <p>(انعام/۱۱۲)</p> <p>و همانند تو برای همه‌ی پیامبران دشمنان و مخاصمانی از شیطان‌های انس و جن قرار دادیم که بعضی از آنان با سخنانی فریبنده و خوش ظاهر و جهالت‌انگیز، به بعضی دیگر الهام می‌دهند و اگر پروردگارت اراده می‌کرد آنان چنین نمی‌کردند پس آنان را با همه‌ی افتراهایشان به کناری نه (با آنها بی‌اعتنایی کن و از توطئه‌های آنان نومید مشو).</p>

می‌خواست، تمام این طبقات معارض را در یک لحظه خاکستر کند و بر باد بدهد، می‌توانست؛ اما خب، سنت الهی بر این نیست، قانون خدا بر این نیست. قانون الهی این است که آنها دشمنی‌هایشان را بکنند تا مؤمن از غیر مؤمن باز شناخته بشود. رهایشان کن با هر آنچه که افترا می‌بندند و دروغ می‌گویند. یعنی چه رهایشان کن؟ یعنی به گفته‌های آنها غمگین و دلگیر مشو، سست مشو، راهت را از دست مده

نتیجه‌ی این سخن‌های خوش‌ظاهر و فریب و غرور آمیز این است که دل‌هایی که به آخرت ایمان ندارند، تحت تأثیر این تبلیغات دروغین خوش‌ظاهر قرار بگیرند. این تبلیغات دروغین، این تبلیغات فریبنده و خوش‌ظاهر، دل‌هایی را فریب می‌دهد، به خود جذب می‌کند، اما دل‌های چه کسی را؟ «وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ» دل‌های آن کسانی که به آخرت ایمان و باوری ندارند؛ لذا آنی که به آخرت ایمان دارد، به این زودی اسیر و فریب‌خورده‌ی تبلیغات دروغین نمی‌شود.

وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرِضُوهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ

(انعام/۱۱۳)

و در نتیجه و عاقبت دل کسانی که به آخرت ایمان نیاورده‌اند بدان سخنان گوش فرادهد و بدان خشنود گردد و به همان فرجام آنان دچار گردند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَشُلْطَانٍ مُّبِينٍ

(مومن/۲۳)

همانا موسی را همراه با آیت‌هایمان و با حجتی آشکارا فرستادیم.

آن قدرت آشکار یا حجت آشکار، دلیل آشکار [بودنش] چه بود؟ منطق قوی او، سخن حق او، عصای دست او، ید بیضی او.

به جنگ چه کسانی فرستادیم؟ طرف موسی چه کسی بود در این جامعه؟... به سوی فرعون، به سوی هامان، وزیر فرعون، از روسای مملکت فرعون، از اشراف چشم پرکن... [و] قارون ... قارون یک ثروتمند است، عجیب این است که با اینکه فرعون در رأس حکومت است، یک طبقه است؛ هامان در کار اوست، طبقه‌ی دیگری است؛ قارون به آنها اصلاً ارتباط ندارد، ثروتمند است، گنجه‌ور است، طبقه‌ی دیگری است؛ با اینکه سه طبقه هستند، جوابشان یک جواب است، هر سه در مقابل موسی علیه السلام یک موضع می‌گیرند، یک حرف می‌زنند... گفتند: جادوگری دروغ‌گو و دروغ‌پرداز است.

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ
فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ

(مومن/۲۴)

به سوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند که جادوگری دروغ‌پرداز است.

وقتی حقیقت را از سوی ما به این معارضان، موسی بیان کرد و آورد، چه گفتند؟ آیا ساکت نشستند؟ هرگز؛ همچنانی که موسی نظام پیشنهادی‌اش پنجه به زندگی آنها می‌زد، آنها هم پنجه‌ها را به سر و صورت موسی کشیدند.

آن کسانی که به فکر این نبی تازه‌وارد، این فکر نو و روشن و زندگی‌ساز ایمان آوردند، پسرانشان را بکشید. بکشید که اینها نباشند تا فردا ما را تهدید کنند.

حالا چرا زنده بدارید زنها را؟ شرحی دارد. برای اینکه نسلشان مخلوط بشود، برای اینکه به فحشا کشیده بشوند، برای اینکه آنها را اشباع از غرایز بکنند، برای اینکه تو سری خور بشوند؛ وجوهی دارد در این «وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ» یعنی ... به نتیجه نمی‌رسد. مثل تیری است که شما بیندازید طرف یک دشمنی، یک نفری، یک هدفی، باد بیاید تیر را گم کند از این مسیر. اینجا هم ملاحظه کردید، در این آیه، از سه طبقه یاد شده: طبقه‌ی فرعون، طبقه‌ی هامان، طبقه‌ی قارون؛ از این سه طبقه اینجا با همدیگر یاد شده بود.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ
عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ
آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ
وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي
ضَلَالٍ

(مومن/۲۵)

چون حق را از جانب ما به آنان ارائه داد، گفتند: پسران آن کسانی را که بدو ایمان آورده‌اند بکشید و زنانشان را زنده نگاه دارید. دشمنی و نقشه‌چینی کافران، گمراه و بی‌اثر است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ
الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ
النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن
سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ
الدَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

(توبه/۳۴)

ای مردمان که ایمان آورده‌اید!
همانا بسیاری از عالمان و زاهدان
اموال مردمان را بدون استحقاق
می‌خورند. و مردم را از پیمودن
راه خدا باز می‌دارند. و آنانکه طلا
و نقره را اندوخته می‌کنند و در راه
خدا آن را انفاق نمی‌نمایند پس
بشارتشان بده به عذابی الم‌انگیز

[این آیه مربوط] به طبقه احبار و رهبان است....
بسیاری از عالمان و زاهدان... بدون استحقاق،
پول... [مردم] را هم می‌خورند و از راه خدا هم آنها
را باز می‌دارند.

بخشی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۴/۰۷/۱۳۵۳ در مسجد امام حسن علیه السلام مشهد:

نظام خداخواسته‌ی، پیغمبرساخته، این جور نظامی‌ست [که] در آن زور نیست،
قلدری نیست، استثمار نیست، استبداد نیست، حکومت مطلقه‌ی یک انسان یا
جمعی انسان، بر انسان‌های دیگر نیست. در یک چنین جامعه‌ای که خدا می‌خواهد و
می‌گوید که باید انسان‌های بدین شکل مجتمع بشوند، جهل نیست، ناآگاهی نیست،
خرافه‌پرستی نیست. در این اجتماع مردم مجبورند، ملزمند همه فکر کنند. لازم است
همه راه خودشان را پیدا کنند؛ وقتی پیدا کردند، لازم است آن راه را بپیمایند.
در آن جامعه همه موظفند از حقوق ضعفا و محرومان و ستم‌دیدگان دفاع کنند. در

آن جامعه کسی حق ندارد بگوید مرا مصالح خودم بس، مرا در دسرهای خودم بس، مرا کارهای خودم بس، نمی‌رسم به کارهای دیگران بپردازم، برای خاطر اینکه همه با هم، همه اجزا و اعضای یک پیکر و اندام‌های یک بدنند، مگر می‌توانند این جور بگویند؟ در آن جامعه تنبلی نیست، در آن جامعه تفرق و اختلاف نیست، در آن جامعه تعبد و کورکورانه حرکت کردن دنبال زید و عمرو و بکر نیست؛ یک چنین جامعه‌ای را پیغمبر می‌خواهد بسازد. درست توجه کنید، یادتان باشد خصوصیات آن جامعه‌ای که پیغمبر می‌خواهد آن جامعه را با دست قدرتمند خود وجود و با آموزش و الهام وحی خدا بسازد. این جامعه، خصوصیات بزرگش، خطوط اصلی‌اش، وجود علم و آگاهی، وجود عدل و دادگری، طبقه‌ی واحد، نفی طبقات اجتماعی، نفی استثمار، نفی جمع ثروت، نفی استبداد و حکومت مطلقه، نفی طرف‌داری از باطل و الزام و اجبار طرف‌داری از حق و حقیقت است، اینها مشخصات این جامعه است.